

# باریزش عناصر و ایادی رژیم چه کنیم؟: مواجهه اصولی با ریزش عناصر مهم حاکمیت و اعتراف‌ها؟

تقی روزبه



اخیرا افشاگری‌های یک مقام سابق دستگاه سرکوب که مسئولیتی چون ریاست زندان و از جمله اوین را، آنهم در دهه کشتارهای دهه ۶۰ را در کارنامه خود داشته است، و مجادلاتی که حول شیوه برخورد با وی از جانب شرکت کنندگان در کلاب هاس صورت گرفت، بار دیگر چگونگی برخورد اصولی با این نوع عناصر را مطرح ساخت.

واقعیت آن است که ریزش کارچرخانان و ایادی سرکوب و شکنجه و زندان گرچه هنوز گسترده نیست، و آنچه هم هست بیشتر از عناصر قدیمی و دوره‌های قبل هستند تا اکنون، اما بهر حال از نشانه‌ها و جوانه‌های ریزش حاکمیت محسوب می‌شوند که می‌توانند راه را برای ریزش‌های بیشتر هموار کنند. از همین رو برخورد سنجیده و اصولی با این روند که هم اصول و هم جنبه‌های تاکتیک و عملی را مدنظر قرار بدهد، و منجر به عادی‌سازی جنایت از یکسو و منجمد کردن ریزش از سوی دیگر نگردد اهمیت زیادی دارد. نکات زیر در این باره حائز اهمیت هستند

گزاره «نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم» اصل راهنماست. بدیهی است که هرگونه برخورد - ۱- تاکتیکی نباید و نمی‌تواند آن را مخدوش کند. برعکس باید در خدمت تسری و همه‌گیر کردن آن در متن جامعه باشد. در این رابطه اصل مشمول مرور زمان نشدن جنایت و تشکیل دادگاه و محاکمه عادلانه و داشتن حق دفاع، مخالفت با اعدام و شکنجه و خشونت از نکات مهم بشمار می‌روند

اما در عین حال نحوه مواجهه باید در همانحال بتواند به اصل تقویت ریزش صفوف رژیم، در - ۲- چارچوب معادله بالائی‌ها نتوانند و پائینی‌ها نخواهند، و لاجرم تجزیه صفوف دشمن دامن بزنند. برخورد سکتاریستی و یک‌جانبه نه فقط به اصول فوق و هدف آن کمک نمی‌کند بلکه چه بسا موجب انزوا

در میان نسل‌های جدید و البته اختلال در تقویت حافظه جمعی فراموش نمی‌کنیم و حتی پیشرفت انقلاب هم بشود. بنابراین هنر تاکتیک و سیاست ورزی در جمع این دو اصلی نهفته است که به شکل سرشتی در برابر هم نیستند. ولی با برخوردهای نسجیده می‌توانند در تقابل هم قرار گیرند.. چنین رویکردی منجر به یک برخورد ایدئولوژیک و انتزاعی و صرف خالی کردن دلی یا تظاهر به رادیکالیسم کاذب می‌شود. مهم ترکیب اصول و سیاست یا تئوری و عمل است. شکل دادن به یک فرایند انضمامی ملهم از اصول و مقتضیات عمل در هم شکستن صفوف دشمن همان هنر مبارزه هست

سوی رعایت پیوند آن دو اصل، جوانب فرعی ولی مهمی هم وجود دارند که بسهم خود در شکوفا بخشیدن -۳ جنبش و تضعیف رژیم اهمیت دارند

الف- گرچه ممکن است اعترافات این گونه عناصر بویژه وقتی فردمزیور کارگزار کنونی رژیم هم نباشد کهنه باشند اما نباید فراموش کنیم که همین ها هم گرچه برای نسل‌های گذشته و یا مبارزان قدیمی ممکن است تازه نباشند اما برای عموم جامعه و نسل‌های جدید الزاماً چنین نیستند و چه بسا اکنونی کردن آن روایت‌ها در ریزش پایه‌های رژیم و تقویت رویکرد جامعه علیه سیستم و البته پیوند دادخواهان و دادخواهی گذشته و امروزی مفید باشند. بازخوانی گذشته در فضای جدید الزاماً بی‌خاصیت نیست و با پیوند جنایت‌های گذشته و حال در خدمت تقویت اصل فراموش نمی‌کنیم هست

ب- از جنبه دادخواهی این گونه اعترافات توسط این گونه دست‌اندرکاران به عنوان اسنادزنده و مهمی در محکومت رژیم در افکار عمومی و نیز بویژه در محاکم جهانی محسوب می‌شوند که برای دادخواهی علیه رژیم و مهره‌های آن اهمیت دارند.

ج- این اعترافات برای خط‌بطلان کشیدن به دوره باصطلاح طلایی امام نیز مفید بوده و در جهت تقویت سرنگونی کلیت رژیم و مقابله با خطر بازسازی نظام توسط این گونه دست‌اندرکاران منتقد نیز بشمار می‌رود. گرچه این گونه افراد ممکن است برای حفظ ایمنی خود از جانب حاکمیت در افشای اطلاعات داشته خود امساک ورزند و یا حتی به درجاتی برای عادی‌سازی جنایت‌موردسوء استفاده هم قرار گیرند، اما در کلیت خود این مانع از تاکتیک فشار افکار عمومی برای برون‌افکنی همه اسرار و تبدیل کردن چنین اعترافاتی بسود تقویت صفوف جنبش و تضعیف حاکمان نیست.

تقی روزبه ۳۱م‌ای ۲۰۲۳

در همین رابطه گفتگو -\*

<https://www.youtube.com/watch?v=47gEVkxtBI8&t=532s>

«اعتراف» رئیس زندان اوین در سال ۶۷: خیلی افراد بی‌گناه کشته شدند

<https://www.bbc.com/persian/articles/c997j50p119o>

